

مسأله‌شناسی حجاب در جامعه ایرانی

(مورد کاوش: مقالات علمی ۱۳۸۳-۱۳۹۷)

ابراهیم اخلاسی^۱، ابوالقاسم فاتحی دهقانی^۲، امیرحسین شیعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

چکیده

پراکندگی نتایج مطالعات ناظر به حجاب، ضرورت مرور نظام‌مند پژوهش‌های ذریبط را به منظور دست‌یافتن به تصویری نسبتاً روشن از آورده‌ها و چالش‌های مطالعاتی آشکار می‌کند. پرسش‌های پژوهش حاضر ناظر به توصیف وجوه روش‌شناختی، تبیینی و کارکردی پدیده حجاب در جامعه ایران طی مطالعات سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۷، همچنین ایضاح نقدهای وارد بر آن مطالعات است. بر پایه نتایج پژوهش، نه مسأله محوری شامل عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ حجاب، قلمرو حجاب، پیامدهای فردی و اجتماعی حجاب، شبهات و آسیب‌شناسی حجاب، مسئولیت حکومت در قبال فرهنگ حجاب، تحولات حجاب و تلقی از حجاب در جامعه مورد توجه پژوهش‌گران داخلی قرار گرفته‌اند. همچنین، به استناد برداشت‌های تفسیری حاصله، موارد چندگانه‌ای، مشتمل بر عدم توجه محققان به ملاحظات روش‌شناختی مندرج در پارادایم کمتی، تقلیل سطح علمی پژوهش‌ها به مطالعات ترویجی و مروری، حصر حداکثری پژوهش‌ها به کلان‌شهرها و کنارگذاری شهرهای کوچک‌تر از شمول مطالعه، تغلب نگاه آسیب‌شناسانه به حجاب در مطالعات و تغافل پژوهشگران از ابعاد تفسیری و معناکاوانه مرتبط با آن، تقلیل طیف کنیری از کارکردهای دنیوی و اخروی حجاب به ملاحظات معطوف به امر جنسی، نبود راهکارهای مبتنی بر مطالعات میدانی در مواجهه با معضله حجاب، و سرانجام، بی‌توجهی به رویکردهای میان‌رشته‌ای در حکم نقدهای وارد بر مطالعات منتخب هستند. موارد فوق‌الذکر، امکان تعریف دستورکارهای پژوهشی جدید پیرامون مسأله حجاب در جامعه ایرانی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: حجاب، جامعه‌شناسی بدن، کارکرد حجاب، جامعه‌پذیری، فرهنگ حجاب، مطالعات حجاب، خودآرایی

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول). eb.ekhlasi@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی Fatehi.ab@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی ah110sh@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

پوشش، شأنی از شئون و از لوازم جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر سابقه و به قدر پهنه‌ی جغرافیای امروزی زمین گسترش دارد (حداد عادل، ۱۳۸۶: ۵). به همین دلیل این موضوع در تاریخ اندیشه‌ی آدمی همواره یکی از محورهای بحث و مناقشه میان انسان‌ها به حساب می‌آمده است (اباذری و حمیدی، ۱۳۸۷). در شرایط کنونی نیز در میان اندیشمندان پیرامون حجاب، به عنوان نوعی خاص از پوشش، مناقشات و درگیری‌های جدی وجود دارد؛ به گونه‌ای که از دیدگاه مفسران غربی، هیچ شکلی از لباس، مانند حجاب، این قدر موضوع مناقشه نبوده است (واتسون، ۱۳۸۲: ۳۱۱). واتسون، با تکیه بر ابعاد و اهداف عملی و نمادین حجاب که ریشه در حفظ حجب و حیا و شرم از برهنگی دارد، اظهار می‌دارد که مسأله پوشش و حجاب، جایگاه ویژه‌ای در مباحث روز دنیا درباره فرآیند جهانی شدن و پست مدرنیته دارد، به طوری که مرزهای فرهنگی بین شرق و غرب و مسلمان و غیرمسلمان را درنور دیده است و شامل مباحث و نظریات مناقشه برانگیز و پرطمطراقی است که بر مسائل پسامدرنی از قبیل سبک، نمادشناسی، مصرف‌گرایی و مسائل قدرت و بازنمود آن استناد می‌کند (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶: ۹۳).

حجاب در ایران از زمان مشروطه و با ورود تجدد خواهی مسئله‌ساز و به ویژه در دهه‌های اخیر به یکی از مباحث پرچالش تبدیل شده است. حجاب به عنوان مسأله فکری و پدیده‌ای مرتبط با مدیریت و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی، با وسعت و گستردگی خاص نزد مدیران و مسئولان جامعه اهمیت خاصی پیدا می‌کند (طالبی دلیر و رضوی طوسی، ۱۳۹۲: ۷۲). طی چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حجم عظیمی از آثار، در ارتباط با حجاب تولید شده است که حتی طبقه‌بندی آنها کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. به صورت اجمال می‌توان گفت مطالعات معطوف به حجاب در ایران و فراز و فرودهای آن در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب، تنها با توجه به تحولات و شرایط فرهنگی کشور فهم‌پذیر باشد. از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۷۰ شمسی غالب کنش‌ها و جهت‌گیری‌های جمعی نظیر رأی ۹۸ درصدی مردم به جمهوری اسلامی و مرجعیت مطلق نهاد روحانیت، ذیل گفتمان انقلابی بازتعریف می‌شدند؛ با

تلقی شدن هرنوع نشانه و نمودی از فرهنگ غربی در منش و رفتار افراد، به مثابه یک عیب بزرگ، مردم به رهبران سیاسی فشار می‌آوردند که با پدیده بی‌حجابی یا بدحجابی، برخورد جدی داشته باشند (کلهر، ۱۳۹۶). در این دوره پدیده حجاب آن‌چنان متعلق پژوهش واقع نمی‌شود، و صرفاً مجموعه‌ای از پژوهش‌های درون‌دینی با مضامین ایدئولوژیک در حوزه حجاب تولید می‌گردد. همزمان با توسعه گفتمان سازندگی، و متعاقباً غلبه گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی در مقطع کوتاه پس از آن، جلوه‌های فرهنگ غربی و برخی ناهنجاری‌های مخالف با گفتمان انقلاب، کمتر در قاموس یک مسأله اجتماعی بازنشاسایی می‌گردند. حرکت در مسیر تکوین جامعه مصرفی، موجد تلقی از ثروت به عنوان امری ارزشمند، و برتری یافتن جایگاه ثروتمندان و برخورداری آنان از احترام و منزلت اجتماعی گشته و دارندگی به مثابه برازندگی، و فقر و تنگدستی مرادف با شرمندگی بازتعریف می‌گردد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۱۹۸). ذیل گفتمان جدید، گرایش به شیوه زندگی سکولار و جنبه‌های رؤیت‌پذیر آن، هم‌چون آرایش و لباس‌های نامتناسب با ترجیحات فقهی، نظیر پوشش‌های بدن‌نما و امثال آن در حوزه عمومی رو به تزايد می‌گذارد. متعاقب هنجارفرستی‌های ذریبط با سبک زندگی نمایشی و برساخت شدن مناسبات فرهنگی جدید، پدیده بدحجابی به تدریج بدل به امری عادی گشته و طیف گسترده‌ای از اقشار برخوردار از پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی پایین‌تر را با خود همراه می‌سازد. دگرگونی مذکور در عرصه فرهنگ عمومی، موجد تولید پژوهش‌های بسیاری در عرصه حجاب، از نقطه- نظرهای برون‌دینی و پدیدارشناسانه با عطف به سایر متغیرهای بیرونی، از جمله نظام سیاسی، جامعه مدنی، تفکیک حوزه عمومی از حوزه خصوصی و امثال آن می‌گردد. در ادامه تحولات فوق‌الذکر در ایران، از نیمه دوم دهه هشتاد، متأثر از عوامل چندگانه‌ای، از قبیل تغییرات سنی در هرم مدیران جامعه و جایگزینی چهره‌های سال‌خورده انقلابی با مدیران جوان و تکنوکرات، بسط روزافزون جامعه شبکه‌ای و ارتباطات بین‌فرهنگی، تضعیف انحصار رسانه‌ای صدا و سیما، گسترش ضریب نفوذ اینترنت، فراوانی نسل جدید گوشی‌های هوشمند و اقبال عامه کنش‌گران اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی به تدریج ارزش‌ها، آرمان‌ها، و هنجارهای برساخت‌شده در گفتمان انقلاب اسلامی کمرنگ شده و در این مقطع نظام معنایی سکولار و این‌جهانی ظهور و بروز پیدا می‌کند.

از این رو این تطور، پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم انسانی را ترغیب به فهم چندوجهی مسأله حجاب، و ایضاح زوایای تبیینی، کارکردی و پیامدی مرتبط با آن ذیل هر کدام از گفتمان‌های مسلط در دوره بعد از انقلاب اسلامی نموده است. برآیند این تلاش‌ها، تولید انبوهی از آثار علمی در عرصه حجاب و پوشش بوده است که شاید در تاریخ ایران کم‌سابقه باشد. جستجوی کلیدواژه حجاب در اینترنت و مرورگرهای کتابخانه‌ها، همچنین تعمیق و توسعه بیشتر جستجو در منابع کاغذی و الکترونیکی با کلیدواژگانی از قبیل زن، جنسیت، خانواده، خودآرایی و تهاجم فرهنگی، و متعاقباً دسترسی به بیش از صدها مقاله، کتاب و پایان‌نامه، در موضوع حجاب، مسأله‌مندی بدن و نمودهای پوششی، زیبایی‌شناختی و بصری آن را در میان اندیشمندان و پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی، از جمله جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، الهیات و امثالهم در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به خصوص طی دهه‌های هشتاد و نود بازنمایی می‌کند. مرور نظام‌مند پژوهش‌های مرتبط با موضوع حجاب از جمله مدخل‌های اساسی در مقام رسیدن به سیر تطور مسائل حجاب در جامعه ایرانی و رسیدن به چشم‌اندازی نسبتاً روشن از ابعاد و زوایای مسأله حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی به حساب می‌رود. مهم‌ترین پرسش‌های قابل طرح در پژوهش مطابق با شرح ذیل صورتبندی می‌گردد.

۱. رویکردهای نظری و روش‌شناختی مندرج در مطالعات ناظر به حجاب، در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۷ کدامند؟
۲. نسخ‌های الگویی متغیرهای مؤثر بر حجاب در مطالعات ناظر به حجاب، در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۷ کدامند؟
۳. مهم‌ترین محورهای نقدهای وارد بر مطالعات ناظر به حجاب، در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۷ کدامند؟

چارچوب مفهومی

هدف این مطالعه، ارائه فهمی روشن‌تر از زوایای مختلف مسأله حجاب، در سایه ترکیب و مقایسه پژوهش‌های گذشته بر پایه مرور نظام‌مند نتایج پژوهش‌های مرتبط با حجاب است. بنابراین، در مطالعه حاضر، نظریه‌آزمایی یا آزمون فرضیه کمترین وجه منطقی ندارد، و مباحث

تئوریک مرتبط با حجاب، صرفاً به منظور ایجاد حساسیت نظری طرح شده‌اند. به عبارت دیگر، در این بخش از مقاله سعی بر این است در قالب طرح پاره‌ای گزاره‌ها و رویکردهای نظری مهم، حساسیت لازم پیرامون نگرستن به مسأله حجاب از نقطه‌نظرهای تئوریک در مخاطبان پژوهش ایجاد گردد. در این راستا، تورستن ویلن از موضع محوریت طبقه برتر به مقوله آراستگی و پوشش نظر می‌افکند (ویلن، ۱۳۸۳: ۱۲۲)؛ مری داگلاس بدن را به‌مثابه متن فرهنگی فهم می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶)؛ پی‌یر بوردیو بدن را در حکم سرمایه اجتماعی و قابل بازتولید در قالب انواع دیگر سرمایه خوانش می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۹۳). سرانجام، فوکو پوشش را متأثر از قدرت و گفتمان‌های مسلط (دریفوس و رابینو، ۱۳۸۴: ۵۳) و برایان ترنر از منظر نظم اجتماعی به امر پوشش می‌نگرد (جواهری، ۱۳۸۷: ۵۸).

گونه‌شناسی رویکردی در مطالعه مسأله حجاب

پدیده حجاب بر پایه رویکردهای نظری گوناگون مورد تتبع محققان و دین‌پژوهان دانشگاهی و حوزوی قرار گرفته است. در این بین، رویکرد فقهی مهم‌ترین رویکرد در مطالعه حجاب به‌شمار می‌رود. فقه به‌عنوان یک علم دستوری، تعیین وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی عاملان، از منابع شرعی مشتمل بر قرآن، سنت، عقل و اجماع را به‌عنوان رسالت اصلی خود بازشناسایی می‌کند؛ به‌نحوی که در توصیف رسالت مذکور فقه به‌معنای قانون زندگی دنیوی و اخروی قلمداد شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۱۴). محصول فقه در تمام عرصه‌ها، و از جمله در حوزه حجاب و پوشش، در قالب هنجارها و دستورات متعددی ظاهر می‌شود که مرز رفتارها و کنش‌های مجاز و غیرمجاز و نیز صورت‌های آن را برای مؤمنان و باورمندان، هم در نسبت با خود آنها و هم پیرامون چگونگی مواجهه، تعامل و تقابل با دیگر غیریت‌های دینی صورت‌بندی می‌کند. روش‌شناسی در حکم مهم‌ترین ویژگی متمایزکننده رویکرد فقهی، ذیل روش اجتهادی یا استنباطی ظاهر می‌شود که به‌موجب آن فرد مجتهد تلاش خود را مصروف استحصال حکم از ادله می‌نماید (رجایی‌باغ‌سیابی، ۱۳۹۲: ۵). در همین راستا، به نظر می‌رسد روش تحلیلی استنباطی، به‌عنوان امتداد رویکرد فقهی، نقل‌محور بوده، و به‌واسطه شباهت نسبی آن با هرمنوتیک شلایر ماخر، با فلسفه زبان تحلیلی و نشانه‌شناسی قرابت‌هایی برقرار می‌کند. به باور

نویسندگان مقاله، اگرچه در گفتگوهای رایج حوزویان، از عقل و اجماع به عنوان منابع حکم شرعی یاد می‌شود، اما در عمل، این دو عنصر نقش قابل اعتنایی در فرایند اجتهاد بازی نمی‌کنند. مزید بر فقه، در رویکرد حقوقی، به مثابه علم تجویزی، وظایف و مسئولیت‌های کنشگران در عرصه‌های حیات اجتماعی تعیین می‌گردد. نظام‌های حقوقی، برای استخراج موارد مذکور به قانون، عرف، رویه قضایی، عقل، آراء قضات، دکترین و ایدئولوژی مراجعه می‌کنند (اسلامی‌پناه، ۱۳۹۶). هر کدام از سطوح و ساحت‌های حقوق ناظر به روش‌شناسی خاص خود بوده، و مشتمل بر مواردی چون روش‌شناسی قواعد بنیادین حقوق، روش‌شناسی تقنین، روش‌شناسی تفسیر و تطبیق و روش‌شناسی نهادسازی هستند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۳: ۹). برخی پژوهشگران سعی کرده‌اند با تکیه بر آموزه‌های علم حقوق، پاسخ‌های لازم را برای وجوهی از مسائل مرتبط با حجاب نظیر وظایف حکومت در قبال حجاب، حکم حجاب جهانگردان، زنان اهل کتاب و غیر آن فراهم آورند.

رویکرد اخلاقی نیز، بسان رویکرد قبلی، ضمن صدور احکام تجویزی و هنجاری به مثابه نوعی علم دستوری است که راجع به بایدهایی است که انسان لازم است آنها را انجام دهد (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۱۸). سرشت اخلاقی مهم‌ترین پیش‌فرض مکاتب اخلاقی در باب انسان است. شمار زیادی از اندیشمندان غربی، وجود وجدان اخلاقی در انسان را، مسلم فرض کرده‌اند. دانشمندان مسلمان از وجدان اخلاقی به عنوان فطرت یاد کرده‌اند (همان، ۱۱۹). هنجارهای اخلاقی، بر اساس حسن و قبح عقلی یا وجدانی تعیین می‌گردند. در مکتب اخلاقی اسلام، مضاف بر حسن و قبح عقلی و وجدانی، منابع دینی، همان آیات و روایات، روش عرفانی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۹). اصل اساسی در عمل اخلاقی، اختیاری بودن آن است. برخی پژوهشگران الزام یا اجباری شدن حجاب را با این اصل مورد تعمق قرار داده‌اند. در رویکرد کلامی، هدف اساسی، دفاع از ساحت دین، تصحیح عقاید دینی، اثبات تعالیم دینی، و دفع شبهات منکرین است. علم کلام برای رسیدن به هدف یاد شده از روش جدلی و اقناعی بهره می‌گیرد. بر این اساس، علم کلام، در مقام دفاع از آموزه‌های دینی، استخدام انواع گزاره‌های نقلی، عقلی، تجربی، یا تاریخی را، مشروط به برخورداری آنها از کارایی لازم، مجاز می‌شمارد. به علاوه، در علم یاد شده حقانیت و درستی دین به عنوان اصل مسلم پذیرفته شده

است. کسی که با منطق کلامی سخن می‌گوید، با برشمردن فوائد و کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب و بی‌اساس خواندن سخن مخالفان، از آن دفاع می‌کند.

حجاب، و سایر مقولات پیرامونی آن، وجوه فردی، شناختی و روانشناختی را در خود مندرج دارد و پژوهش‌های متعددی از منظر روان‌شناختی به بررسی ابعاد و زوایای حجاب پرداخته‌اند. با این وجود، از آنجایی که مطالعه حاضر، پیش‌فرض «حجاب به مثابه امری اجتماعی» را در خود نهفته دارد، لذا، بسندگی مواجهه روانشناسانه به مسأله حجاب را در حداکثر وجه ممکن، محدود به حوزه خصوصی، انتخاب و ترجیحات فردی می‌داند؛ از همین‌رو، در این پژوهش، از پرداختن تفصیلی به رویکردهای روانشناختی معطوف به مسأله اجتماعی حجاب، که نویسندگان مقاله آن را به مثابه امری نهادی و جامعه‌شناسانه، نه فردی و روانشناسانه در نظر گرفته‌اند، اجتناب شده است. در رویکرد جامعه‌شناختی، حجاب به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، در پیوند با فرهنگ و کلیت نظام اجتماعی توصیف، تحلیل و در نهایت، تبیین می‌شود. مهم‌ترین اصل روش‌شناختی حاکم بر رویکرد جامعه‌شناسی، اتکا آن بر روش‌های تجربی و حسی، در برابر روش‌های عقلی و نقلی است. رویکردهای جامعه‌شناسانه، اعم از انواع پوزیتویستی، تفسیری و انتقادی، غیر از داده‌های عینی و تجربی، برای هیچ منع دیگری اعتبار و حجیت قائل نیستند. لازم به تصریح است مقوله اعتبار و حجیت، امری متفاوت از مفهوم کارکرد است. در سنت‌های مختلف جامعه‌شناختی، بویژه در پارادایم‌های ساختاری، مفهوم اخیر از اولویت بالایی در قیاس با بیشتر مفاهیم برخوردار است. بنا به تعریف، کارکرد ناظر به تأثیر به‌جای مانده از یک عنصر در ارتباط با مجموعه‌ای دیگر از عناصر مرتبط است که سازگاری و انطباق آن با محیط، یا به تعبیری دوام و ماندگاری آن را فراهم می‌آورد (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۶۷۹). به بیان دیگر، کارکرد به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در جهت بر آوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌پذیرند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۳۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این تعریف، نسبت میان کل و جزء، رابطه میان آنها و اثر هریک از اجزاء یا عناصر در بقا و پایداری یک مجموعه مورد توجه قرار گرفته است (فصیحی، ۱۳۹۰: ۲۴). مزید بر رویکرد کارکردی، اما می‌توان از منظر دیگر رویکردهای جامعه‌شناختی نظیر رویکرد انتخاب عقلانی نیز سخن به میان آورد. بر اساس رویکرد انتخاب

عقلانی، افراد حجاب را بر اساس روانشناسی فردی، موازین باوری و اعتقادی خویش، صحیح قلمداد نموده، و آن را به مثابه بهترین راه ممکن در نظر می‌گیرند که قرین با آورده‌های حداکثری، و هزینه‌های حداقلی خواهد بود (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۷: ۳۳). از دیگر سوی، حسب آموزه‌های سنت کنش متقابل نمادین، حجاب به عنوان امری نمادین، واجد بار تفسیری است که متأثر از موقعیت‌های زمینه‌ای، پنداشت‌ها، ادراکات، ترجیحات زمانمند و مکانمند کنشگران اجتماعی در حکم نوعی برساخته اجتماعی پدیدار می‌گردد (مطیع، ۱۳۷۰).

برخی از پژوهشگران، با رویکرد تاریخی، به مطالعه حجاب پرداخته‌اند. هدف این رویکرد، صرفاً توصیف و گزارش اشکال و چگونگی حجاب در دوره‌های پیشین و در مواردی پرداختن به برخی رویدادهای مرتبط با حجاب، نظیر پدیده کشف حجاب است. در مطالعه تاریخی، پدیده مورد بررسی به منزله رویدادی مربوط به گذشته - که با مجموعه‌ای از رویدادهای دیگر رابطه علی دارد - مطالعه می‌شود (ساعی، بی‌تا: ۱۶۷). در پژوهش‌های تاریخی وثاقت اسناد و مدارک به جا مانده از گذشته اهمیت خاص دارد. پژوهشگر با تفسیر این اسناد گذشته را به صورت نظام‌مند بازسازی می‌کند (چلبی و رضوی، ۱۳۹۳). مهم‌ترین مبنای روش‌شناختی حاکم بر ذهن محقق تاریخ چیزی مگر توجه به تکرارناپذیر بودن کامل گذشته تاریخی نیست (طاهرپورکلانتری، مناهی و تقی‌زاده لشنلو، بی‌تا). مورخ خواه ناخواه با معیارهای جامعه زمان خود با گذشته مواجه می‌شود، فلذا، احتمال خطا در کار محقق تاریخ زیاد است.

در رویکرد تطبیقی، مقایسه، کشف تشابهات و تمایزات پدیده‌ها یا ایده‌ها در دو یا چند محیط مجزا، به‌عنوان هدف اصلی محقق مطمح نظر واقع می‌شود (معدن‌دار آرانی، ۱۳۹۴: ۷۱). در رویکرد تطبیقی، متناسب با موضوع پژوهش از روش‌های مختلفی بهره گرفته می‌شود (محسنی، ۱۳۹۸: ۶۹۸-۷۰۴). اصول روش‌شناختی قابل توجه در رویکرد تطبیقی متضمن برداشت سیستمی از موضوع پژوهش، استخدام اصطلاحات استاندارد شده و قابل قیاس، گزینش دقیق اطلاعات و ارقام، واقع‌بینی، عینیت‌گرایی و اجتناب از تعصب، توجه به ابعاد گوناگون موضوع و انتخاب واحدهای محدودتر و انتخاب اصلح متغیرها در مطالعات می‌باشند (آقازاده، ۱۳۷۹: ۷-۱۲). هدف کاربردی و رفتاری این شیوه از مطالعه می‌تواند معطوف به کشف نقاط

ضعف و قوت، همچنین ظرفیت تعمیم‌بخشی یک امر مفروض، هم‌چون حجاب در دوره‌ها و فرهنگ‌های مختلف باشد.

هدف از مطالعه حجاب با رویکرد تربیتی ملاحظه و تدقیق شیوه‌های جامعه‌پذیری کودکان و جوانان در امر حجاب، همچنین بررسی آثار و پیامدهای تربیتی آن است. علوم تربیتی، به عنوان یک نظام معرفتی، بر اساس مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی مشخصی سامان پیدا کرده است. بنیاد انسان‌شناختی در این نظام معرفتی، تربیت‌پذیری انسان است که به‌موجب آن نهاده‌سازی صفات نیک یا ناپسند در وجود انسان با استعانت از شیوه‌های تربیتی ممکن انگاشته می‌شود (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۳-۲۳۹، مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). علوم تربیتی مدرن به لحاظ روش‌شناختی معمولاً بر روش‌های تجربی و آزمون‌پذیر تکیه می‌کنند. در علوم تربیتی با جهت‌گیری اسلامی، علاوه بر کاربرست شیوه‌های تجربی، شیوه‌های نقلی نیز مورد بهره‌برداری واقع می‌شود.

موضوع رویکرد ارتباطات و رسانه، بررسی ابعاد مختلف ارتباطات جوامع، همچنین تحقیق در زمینه ارتباطات، انتقال اطلاعات و تلاش در راستای بهبود نظام‌های ارتباطی و اطلاعاتی موجود است. در نسبت با موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، مراد از ارتباطات و رسانه، تأثیرات نیرومند حاصل از رسانه‌های جمعی از طریق برجسته‌سازی الگوهای خاص پوشش و بدن‌آرایی در قضیه حجاب، فرهنگ و سبک زندگی افراد است.

رویکرد تفسیری، فرایند تفسیر متن قرآن کریم و استخراج دلالت‌های آیات آن در موضوع حجاب را محور تلاش و تتبع خود قرار می‌دهد و به روایات توجه چندانی نمی‌شود. مفسر با تکیه به شیوه‌ها و تکنیک‌های پذیرفته‌شده تفسیر متن می‌کوشد مقصود نهایی قرآن مجید را در خصوص حجاب، حدود و قلمرو آن کشف کند. در تفسیر قرآن، دو نوع مبانی صدور و مبانی دلالتی مورد تأکید قرار می‌گیرد. اصل اساسی در مبانی صدور، اعتقاد به صدور قرآن موجود از ناحیه خداوند است (شاکر، ۱۳۸۱: ۱۴۱). مبانی دلالتی، به آن دسته از مبانی اطلاق می‌شود که فرایند فهم مراد خداوند از متن را سامان می‌دهد. مفسر در مقام تفسیر متن مقدس، اصول روش‌شناختی چندگانه، مشتمل بر قرائت صحیح، توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول، در نظر

گرفتن اصول و قواعد زبان عربی، ملاحظه قرائن و توجه به انواع دلالت‌ها را در نظر می‌گیرد (بابایی، ۱۴۱۴ق: ۶۰).

مطالعه حجاب، به عنوان مسأله‌ای فرهنگی، که به‌سازی آن نیاز به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دارد، از قلمرو علم مدیریت نیز به‌دور نمانده است. مدیریت به‌معنای هماهنگی امکانات و منابع از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل به‌نحوی است که اهداف مشخص تحقق‌پذیرد (عباس‌زادگان، ۱۳۶۸: ۲۴).

روش تحقیق

روش انجام پژوهش حاضر، بنا بر ماهیت آن، از نوع فراتحلیل است. فراتحلیل، مجموعه‌ای از فنون آماری است که با هدف یکپارچه‌سازی نتایج پژوهش‌های مستقل یا ترکیب نتایج پژوهش‌های مرتبط با یک موضوع خاص و کشف روابط تازه میان آنها انجام می‌گردد (اخلاصی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۸). مقالات ناظر به موضوع حجاب انتشار یافته در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۷، جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می‌دهند. جستجوی مقالات با استفاده از کلید واژه حجاب در پایگاه‌های داده‌ای جهاد دانشگاهی، مجلات تخصصی نور، پرتال جامع علوم انسانی، کتابخانه فقهت و برخی از سایت‌های مجلات پژوهشی به انجام رسیده است. با عنایت به دشواری تحلیل همه مقالات منتشره در برهه زمانی مذکور، صرفاً ۵۵ مقاله بر مبنای ضوابط و معیارهای معین‌گزینش، و ابعاد مختلف شکلی و محتوایی آنها به‌صورت نظام‌مند مرور شده‌اند. در جریان انتخاب مقالات، پس از انتخاب رویکردهای کلی مقالات، آنها را در دسته‌های مشخص قرار داده و سپس از میان آنها ۵۵ مقاله به روش نمونه‌گیری ساده انتخاب شده‌اند. در راستای ملاحظه نمایانگر بودن نمونه آماری، به‌گونه‌ای که نمونه منتخب بتواند پژوهش‌های انجام شده در بازه زمانی فوق‌الذکر را نمایندگی کند، مراتب سه‌گانه‌ای از اعتبار علمی بر مبنای ویژگی‌های علمی پژوهشی بودن، علمی‌ترویجی بودن و علمی‌تخصصی بودن مقالات در نظر گرفته شد. در ادامه بخش‌های گوناگون بدست آمده از مقالات با توجه به سئوالات پژوهش از زوایای مختلف مرور شده‌اند. لازم به توضیح است که در فرایند مطالعه پژوهش‌های منتخب، نویسندگان مقاله به این دریافت رسیدند که جامعه آماری شماری از پژوهش‌های تجربی مورد بررسی در مطالعه، ترکیبی از زنان خانه‌دار و دانشجویان

هستند که ذیل هیچ رده سنی یا صنفی مشخص، قابل طبقه‌بندی نیستند. بر همین اساس، با هدف پوشش دادن این دسته از مقالات در جامعه آماری، مقوله‌ای تحت عنوان «سایر» در نظر گرفته شده است. سرانجام این‌که، شمار زیادی از پژوهش‌ها به صورت نظری به‌انجام رسیده‌اند؛ این دسته از پژوهش‌ها علی‌القاعده ناظر جامعه آماری مشخصی نیستند، و موضوع مطالعه آنها، نوعاً متون دینی، متون و اسناد تاریخی، یا متون و تولیدات علمی و فرهنگی بوده است. مقالات اخیر نیز بر اساس موضوع اصلی مورد مطالعه‌شان طبقه‌بندی شده‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

رویکردهای مطالعاتی حجاب

اطلاعات مندرج در جدول (۱) رویکرد جامعه‌شناختی مطالعه حجاب را در صدر نظریه‌های استفاده شده در پژوهش‌های مربوط به حجاب نشان می‌دهد. (۳۲/۷) پنج رویکرد دیگر، هریک با (۹/۹٪) از پژوهش‌ها، در رتبه دوم، و رویکرد اخلاقی با (۳/۶۳٪) در آخرین رتبه جای می‌گیرند. همچنین مشخص می‌گردد که از مجموع پژوهش‌های مرور شده (۷۶٪) فاقد نظریه بوده‌اند. (۵/۴۵٪) آنها نظریه‌ی جامعه‌پذیری را مبنای تحلیل خود قرار داده‌اند. نظریه ویلن، گیدنز، بودریار و ساختاری کارکردی (۳/۶۳٪)، نظریه‌ی اعتباریات علامه طباطبایی، فضیلت انگاری فارابی، اخلاق و وظایف دیوید راس، خرده فرهنگ‌ها، یادگیری اجتماعی و مقاصد الشریعه، هر کدام با اختصاص (۱/۸٪) پژوهش‌ها، به لحاظ میزان استفاده در پژوهش‌ها در رتبه‌های یکسان قرار می‌گیرند.

جدول (۱): ملاحظات نظری و رویکردی پژوهش‌های مورد مطالعه

رویکرد	آماره توصیفی		رویکرد	آماره توصیفی		نظریه استفاده‌شده	آماره توصیفی		نظریه استفاده‌شده
	ف	٪		ف	٪		ف	٪	
جامعه‌شناختی	۳۳/۷	۱۸	تطبیقی	۵/۴۵	۳	فاقد نظریه	۷۶	۴۲	یادگیری اجتماعی
تربیتی	۹	۵	رسانه و ارتباطات	۵/۴۵	۳	جامعه-پذیری	۵/۴۵	۳	ارزش مبادله

آمار توصیفی		نظریه استفاده شده	آمار توصیفی		نظریه استفاده شده	آمار توصیفی		رویکرد	آمار توصیفی		رویکرد
تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد	درصد	
۱	۱/۸	خرده فرهنگ‌ها	۳/۶۳	۲	ساختاری کارکردی	۵/۴۵	۳	مدیریتی	۹	۵	کلامی
۱	۱/۸	مقاصد-الشریعه	۳/۶۳	۲	آنتونی گلدنز	۵/۴۵	۳	تفسیری	۹	۵	فقهی
۱	۱/۸	اعتبارات (علامه)	۳/۶۳	۲	توریستن ویلن	۳/۶۳	۲	اخلاقی	۹	۵	تاریخی
۱	۱/۸	فضیلت-انگاری (فارابی)	۳/۶۳	۲	بودریار				۵/۴۵	۳	حقوقی
۱	۱/۸	اخلاق و ظایف (دیوید راس)									

جمع کل: فراوانی (۵۵)؛ درصد (۱۰۰)

زمان و مکان پژوهش‌های مرور شده

اطلاعات ارائه شده در جدول (۲) مشخص می‌کند که (۶۷٪) از پژوهش‌های مرور شده در این تحقیق، مکان مشخصی نداشته‌اند. بیشترین حجم (۱۲/۷٪) پژوهش‌های تجربی انجام شده در باب حجاب، در شهرها و استان‌های تهران، (۱۲/۷٪) انجام شده است. اردبیل، اصفهان، خراسان رضوی و همدان (۹٪) کرمان‌شاه، آذربایجان، فارس و لرستان با (۱/۸٪) در جایگاه دوم و سوم قرار می‌گیرند. همچنین اطلاعات مربوط به زمان پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد پژوهش‌ها به سال‌های ۱۳۸۶، (۱۴/۵)، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، (۱۰/۹٪) مربوط می‌گردد. سایر سال‌ها در رتبه بعدی قرار می‌گیرند؛ در سال‌های قبل از ۱۳۸۶ و بعد از ۱۳۹۶، حجم پژوهش‌ها به صفر متمایل می‌گردد.

جدول (۲): زمان و مکان پژوهش‌های مرور شده

آماره‌ی توصیفی		زمان پژوهش	آماره‌ی توصیفی		مکان پژوهش	آماره‌ی توصیفی		مکان پژوهش
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱۴/۵	۸	۱۳۸۶	۵/۴	۳	سیستان و بلوچستان	۶۷	۳۷	فاقد مکان
۷	۴	۱۳۸۸	۵/۴	۳	بوشهر	۱۲/۷	۷	تهران
۹	۵	۱۳۸۹	۵/۴	۳	کرمان	۹	۵	اردبیل
۹	۵	۱۳۹۰	۵/۴	۳	گلستان	۹	۵	همدان
۱۰/۹	۶	۱۳۹۲	۵/۴	۳	گیلان	۹	۵	اصفهان
۱۰/۹	۶	۱۳۹۳	۳/۶	۲	کهگیلویه	۹	۵	خراسان رضوی
۷	۴	۱۳۹۴	۳/۶	۲	ایلام	۷	۴	قم
۹	۵	۱۳۹۵	۱/۸	۱	کرمانشاه	۷	۴	کردستان
۵/۴	۳	۱۳۹۶	۱/۸	۱	لرستان	۷	۴	مازندران
			۱/۸	۱	آذربایجان	۷	۴	هرمزگان
			۱/۸	۱	فارس	۷	۴	خوزستان

رتبه‌بندی مقالات و هویت جنسیتی و صنفی پژوهشگران

طبق داده‌های ارائه شده در جدول (۳)، از مجموع پژوهش‌های مرور شده، مقالات علمی-پژوهشی با (۵۲/۷)، در صدر جای می‌گیرند. مقالات علمی-ترویجی با (۲۷/۰)، و مقالات علمی-تخصصی با (۲۰/۰) در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. اطلاعات مندرج همچنین نشان می‌دهد که (۴۳/۶) از پژوهش‌های مرور شده به صورت انفرادی و (۵۶/۳) به صورت جمعی انجام شده‌اند. مضاف بر موارد یاد شده، به لحاظ جنسیت (۵۰/۹) از پژوهشگران مرد، (۲۰/۰) زن و (۲۹/۰) زن و مرد و به لحاظ هویت صنفی نیز، (۶۰/۰) از آنان غیر روحانی و (۴۰/۰) روحانی بوده‌اند. یعنی شمار پژوهشگران مرد و غیر روحانی، به نحو قابل ملاحظه‌ای، بیشتر از دیگران است.

جدول (۳): رتبه علمی مقالات، هویت و مشارکت پژوهشگران

رتبه مقالات و مشارکت نویسندگان		آماره توصیفی		جنسیت و هویت صنفی		آماره توصیفی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
رتبه علمی	علمی - پژوهشی	۲۹	۵۲/۷	مرد	۲۸	۵۰/۹	
	علمی - ترویجی	۱۵	۲۷	زن	۱۱	۲۰	
	علمی - تخصصی	۱۱	۲۰	زن و مرد	۱۶	۲۹	
نحوه مشارکت	تک نویسنده	۲۴	۴۳/۶	روحانی	۲۲	۴۰	
	نویسندگان مشترک	۳۱	۵۳/۶	غیر روحانی	۳۳	۶۰	

ملاحظات روش‌شناختی پژوهش‌های مرور شده

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول (۴)، مطالعات نظری، بالاترین حجم (۶۵/۵٪) از پژوهش‌های مرور شده را به خود اختصاص می‌دهند. پژوهش‌های میدانی با (۳۴/۵٪) در رتبه دوم قرار می‌گیرند. توزیع مقالات در مطالعات میدانی به ترتیب زیر بوده‌اند: پژوهش‌های کمی (۲۱/۸٪) کیفی (۵/۴٪) و ترکیبی (۳/۶٪). به لحاظ ماهیت روشی، پژوهش‌های توصیفی با (۴۷٪) در رتبه نخست و پس از آن نوشته‌های تحلیلی (۲۹٪) و تحلیلی-استنباطی (۲۳/۶٪) در رتبه دوم و سوم، جای می‌گیرند. همچنین این جدول نشان می‌دهد که (۸۷٪) از پژوهش‌های مرور شده فاقد فرضیه، (۷۴/۵٪) فاقد چارچوب نظری و تنها (۱۲/۷٪) از آنها دارای فرضیه و (۲۵٪) دارای چارچوب نظری بوده‌اند. به لحاظ به کارگیری ابزارهای گردآوری اطلاعات، بالاترین میزان استفاده، به شیوه یادداشت‌برداری کتابخانه‌ای اختصاص یافته است. (۵۴/۵٪) روش ترکیبی مصاحبه و پرسشنامه با (۳/۶٪) کم‌ترین میزان کاربرد را داشته است. از مرور اطلاعات این جدول همچنین می‌توان دریافت که جامعه آماری (۱۲/۷٪) از پژوهش‌های انجام شده را دانشجویان، و (۱۶٪) را سایرین تشکیل می‌دهد. (۸۰٪) از پژوهش‌ها، به مسأله روایی و پایایی روش تحقیق توجه نکرده و تنها (۲۰٪) از آنها این مسئله را مد نظر داشته‌اند. به لحاظ بازه زمانی، بیشترین میزان پژوهش‌ها، (۵۶٪) به دوران انقلاب اسلامی، و کمترین میزان (۱/۸٪) به دوره‌ی مشروطه و پسا اسلام مربوط می‌شود. از مجموعه متونی که در پژوهش‌های مرور شده موضوع بررسی قرار گرفته‌اند، (۴۷٪) متون علمی و فرهنگی بوده‌اند، و متون آموزشی

با (۱/۸٪) در رتبه پایانی جای می‌گیرد. اطلاعات جزئی‌تر را می‌توان با مراجعه به جدول به دست آورد.

جدول (۴): توصیف وجوه روش‌شناختی پژوهش‌های مرورشده

آماره توصیفی		مؤلفه مورد بررسی	آماره توصیفی		مؤلفه مورد بررسی	آماره توصیفی		مؤلفه مورد بررسی	آماره توصیفی		مؤلفه مورد بررسی
شماره	درصد		شماره	درصد		شماره	درصد		شماره	درصد	
۳۷	۲۶	علمی و فرهنگی	۱۲/۷	۷	دانشجو	۸۷	۴۸	ندارد	۶۵/۵	۳۶	نظری
			۱۶	۹	سایر	۱۲/۷	۷	دارد	۳۴/۵	۱۹	میدانی
۱۲/۷	۷	دینی	۸۰	۴۴	ندارد	۷۴/۵	۴۱	ندارد	۲۱/۸	۱۲	کتابی
			۲۰	۱۱	دارد	۲۵	۱۴	دارد	۵/۴	۳	کتابی
۷	۴	تاریخی	۵۶	۳۱	انقلاب اسلامی	۵۴/۵	۳۰	یادداشت - برداری کتابخانه‌ای	۳/۶	۲	ترکیبی
			۵/۴	۳	ادیان نوحیدی	۲۰	۱۱	پرسشنامه	۴/۷	۲۶	توصیفی
۱/۸	۱	آموزش	۳/۶	۲	باستان	۱۶	۹	فراتخلیل مطالعات پیشین	۲/۹	۱۶	تخلیلی
			۱/۸	۱	مشرفه	۵/۴	۳	مصاحبه	۲۳/۶	۱۳	تخلیلی
			۱/۸	۱	پاساسلام	۳/۶	۲	مصاحبه و پرسشنامه			تخلیلی

محورهای مطالعاتی و گونه‌های مسأله‌یابی در پژوهش‌های منتخب

با مرور اطلاعات ارائه شده در جدول (۵)، می‌توان دریافت که آسیب‌شناسی حجاب با (۳۰/۹٪)، بیشترین میزان تمرکز پژوهشگران در حوزه‌ی حجاب را به خود معطوف کرده است. راهکارهای ارتقای فرهنگ حجاب و مسأله‌ی حجاب در اقوام و فرهنگ‌های دیگر، (۱۲/۷٪) در مرحله‌ی بعدی و تلقی از حجاب در جامعه با (۳/۶٪) پژوهش‌ها، در رتبه آخر قرار می‌گیرد.

جدول (۵): محورهای مطالعاتی پژوهش‌های مرور شده

آماره توصیفی		سنخ مسائل مطالعاتی مرور شده	آماره توصیفی		سنخ مسائل مطالعاتی مرور شده
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۷	۴	حدود و قلمرو حجاب	۳۰/۹	۱۷	آسیب‌شناسی حجاب
		شباهات ناظر به حجاب			راهکارهای ارتقای فرهنگ حجاب
۵/۴	۳	تحولات و دگرگونی‌های حجاب	۱۲/۷	۷	حجاب در اقوام و فرهنگ‌های دیگر
۳/۶	۲	تلقی از حجاب در جامعه	۱۰/۹	۶	کارکردهای فردی و اجتماعی حجاب
			۹	۵	وظایف حکومت در قبال حجاب

سنخ‌پردازی شاخص‌های مؤثر بر حجاب

حسب ارقام ارائه شده در جدول (۶)، در (۲۹٪) از پژوهش‌های مرور شده عوامل فرهنگی (۲۱/۸٪) عوامل اجتماعی و (۷٪) شاخص‌های روان‌شناختی و زمینه‌ای، به عنوان عوامل مؤثر بر حجاب اشاره شده است.

جدول (۶): سنخ‌پردازی شاخص‌های مؤثر بر حجاب

آماره توصیفی		سنخ مفهومی شاخص	آماره توصیفی		سنخ مفهومی شاخص
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۷	۴	روان‌شناختی	۲۹	۱۶	فرهنگی
		زمینه‌ای	۲۱/۸	۱۲	اجتماعی

متغیرهای فرهنگی مؤثر بر حجاب در پژوهش‌های مرور شده

با مرور اطلاعات جدول (۷) می‌توان دریافت که از میان مجموعه متغیرهای مؤثر بر حجاب، «فقدان الگوی ایرانی اسلامی لباس» با (۷٪)، در صدر همه متغیرها قرار دارد. ضعف اعتقادات مذهبی، با (۵/۴٪) در رتبه دوم و تشدید مجازات‌ها، مصرف‌گرایی، متون آموزشی، ضعف تقیدات مذهبی، تشبه با الگوهای خاص، تصور از بدن، سرمایه‌ی فرهنگی، مصرف رسانه، سبک زندگی، هنجارهای غیر منعطف، تضاد هنجاری، ناپایداری هنجاری و بی‌هنجاری، هریک با (۱/۸٪) در رتبه آخر جای می‌گیرند. اطلاعات بیشتر با رجوع به جدول، قابل دستیابی است.

جدول (۷): متغیرهای فرهنگی مؤثر بر حجاب

آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱/۸	۱	هنجارهای غیر منعطف	۱/۸	۱	متون آموزشی	۷	۴	فقدان الگوی ایرانی اسلامی لباس
۱/۸	۱		۱/۸	۱	ضعف تقیدات مذهبی	۵/۴	۳	ضعف اعتقادات مذهبی

آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱/۸	۱	تضاد هنجاری	۱/۸	۱	تشبه با الگوهای خاص	۵/۴	۳	دگرگونی فرهنگی
۱/۸	۱		۱/۸	۱	تصور از بدن	۳/۶	۲	ضعف آگاهی از تهاجم فرهنگی
۱/۸	۱	ناپایداری هنجاری	۱/۸	۱	سرمایه فرهنگی	۳/۶	۲	فقدان الگوهای عینی
۱/۸	۱	بی‌هنجاری	۱/۸	۱	مصرف رسانه	۱/۸	۱	تشدید مجازات‌ها
۱/۸	۱		۱/۸	۱	سبک زندگی	۱/۸	۱	مصرف گرایی

متغیرهای اجتماعی مؤثر بر حجاب در پژوهش‌های مرور شده

طبق جدول (۸) از مجموعه متغیرهای اجتماعی مؤثر بر حجاب، مصرف رسانه‌ای با (۱۲/۶٪)، مورد تأکید بیشتر قرار گرفته است. نگرش و عملکرد خانواده، و شکاف بین‌نسلی و تمایز خواهی (۱۰/۹٪)، در جایگاه دوم و جامعه‌پذیری استبدادی، کم‌هزینه‌گی انحراف و بی‌توجهی به پیامدهای بدحجابی، هریک با (۱/۸٪) در آخرین رتبه جای می‌گیرند.

جدول (۸): توصیف فراوانی و درصد متغیرهای اجتماعی مؤثر بر حجاب در پژوهش‌های مرور شده

آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱/۸	۱	جامعه‌پذیری استبدادی	۱۲/۶	۳	ارتباط با دوستان ناباب و جنس مخالف	۱۲/۶	۳	مصرف رسانه‌ای

آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص			
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی				
۱/۸	۱	کم‌هزینگی انحراف	۵/۴	۳	نارضایتی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های نظام سیاسی	۵/۴	۳	گرایش فمینیستی و برابرطلبانه	۱۰/۹	۶	نگرش و عملکرد خانواده
۱/۸	۱	بی‌توجهی به پیامدهای بدحجابی	۳/۶	۲	گرایش جهانی‌سازی و سرمایه‌دارانه	۵/۴	۳	بی‌باوری به اعتبار معیارهای متعارف	۱۰/۹	۶	شکاف بین- نسلی و تمایزخواهی
			۳/۶	۲	ناآگاهی به ارزش‌های دینی	۵/۴	۳	ضعف جامعه پذیری و کنترل اجتماعی	۵/۴	۳	تأثیر و تنوع گروه‌های مرجع و همسال

متغیرهای روان‌شناختی مؤثر بر حجاب

بر اساس اطلاعات جدول (۹) مجموعه متغیرهایی روان‌شناختی چون گرایش به اعتیاد، ضعف پذیرش خود، گرایش به لذت‌طلبی، چشم‌وهم‌چشمی، عقده‌ی حقارت، حس زیبانمایی، غریزه‌ی خودآرایی، تغلب هوای نفس و اشتیاق انطباق با جلوه‌های مدرن، به عنوان عوامل مؤثر بر حجاب عمل می‌کنند و هریک با (۱/۸٪) در سطح یکسان قرار دارند.

جدول (۹): آماره شاخص‌های روان‌شناختی مرتبط با حجاب در پژوهش‌های منتخب

آماره توصیفی		شاخص‌های روان‌شناختی		
درصد	فراوانی			
۱/۸	۱	غریزه خودآرایی	حس مقایسه و چشم و همچشمی	گرایش به اعتیاد
		تغلب هوای نفس	عقده حقارت	ضعف پذیرش خود
		اشتیاق انطباق با جلوه‌های دنیای مدرن	حس زیبانمایی	گرایش به لذت طلبی

عوامل زمینه‌ای و دموگرافیک مؤثر بر حجاب

جدول (۱۰) نشان می‌دهد که از عوامل زمینه‌ای پایگاه اقتصادی و اجتماعی با (۰.۷٪) در مقام اول اهمیت قرار می‌گیرد. میزان تحصیلات، سن و وضعیت تأهل هر کدام با (۰.۳/۶٪) در رتبه دوم تأثیرگذاری هستند.

جدول (۱۰): آماره شاخص‌های زمینه‌ای موجود در پژوهش‌های ناظر به حجاب

آماره توصیفی		شاخص‌های زمینه‌ای	آماره توصیفی		شاخص‌های زمینه‌ای
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۰.۳/۶٪	۲	سن	۷٪	۴	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۰.۳/۶٪	۲	وضعیت تأهل	۰.۳/۶٪	۲	میزان تحصیلات

کارکردهای شناسایی شده حجاب در پژوهش‌های منتخب

جدول (۱۱) مجموعه مواردی را نشان می‌دهد که در پژوهش‌های مرور شده، به عنوان کارکردهای حجاب ذکر شده‌اند. سلامت اجتماع و خانواده و جلوگیری از تهییج جنسی، به عنوان دو مورد از کارکردهای مهم حجاب، هر کدام با (۰.۷٪) بیش از موارد دیگر مورد تأکید قرار گرفته است. حفظ شخصیت زن (۰.۵/۴٪)، عظمت آفرینی برای زن و حفظ امنیت اجتماعی هریک با (۰.۳/۶٪) و سایر موارد در مجموع با (۰.۷۳/۸٪) از حجم پژوهش‌ها، در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول (۱۱): شاخص‌های کارکردی حجاب در پژوهش‌های مورد مطالعه

آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱/۸	۱	مصونیت آفرینی برای زن	۳/۶	۲	عزت نفس	۷٪	۴	سلامت اجتماع و خانواده
۱/۸	۱	حفظ ارزش‌های انسانی	۳/۶	۲	کاهش فساد اجتماعی			جلوگیری از تهییج جنسی
۱/۸	۱	حضور معنویت‌گرا در جامعه	۳/۶	۲	ایجاد آرامش روانی	۰.۵/۴٪	۳	حفظ شخصیت زن

آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص	آماره توصیفی		شاخص
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱/۸	۱	کاهش مدپرستی بانوان	۳/۶	۲	ارتقاء بهداشت روانی اجتماع	۳/۶٪	۲	عظمت آفرینی برای زن
۱/۸	۱	حفظ و استیفای نیروی کار جامعه	۱/۸	۱	پیشرفت تحصیلی			حفظ امنیت اجتماعی

راهکارهای ارتقای فرهنگ حجاب

بر اساس جدول (۱۲) آگاهی بخشی اقناعی پیرامون اصول، قواعد، فلسفه، کارکردها و پیامدهای حجاب و بدحجابی با (۲۱/۸٪) در صدر راهکارهای ارتقای فرهنگ حجاب قرار می‌گیرد. ارتقای جایگاه خانواده و ازدواج و بسط گفتمان قباح تبریج و جلوه‌گری، هریک با (۵/۴٪) در رتبه بعد و الگوسازی از چهره‌های حجاب، آماده‌سازی فرد جهت رویارویی با دنیای متجدد، سالم‌سازی محیط آموزشی، کاربست رسانه‌ها در ترویج حجاب، کاهش اختلاط زن و مرد، تبیین واقعیات دینی حجاب و مهندسی تمایلات تنوع‌طلبانه و تبریج‌گون بانوان هریک با (۱/۱۸٪) در رتبه آخر اهمیت جای می‌گیرند. اطلاعات جزئی‌تر را با مراجعه به جدول زیر می‌توان بدست آورد.

جدول (۱۲): راهکارهای ارتقای فرهنگ حجاب

آماره توصیفی		راهکار پیشنهادی	آماره توصیفی		راهکار پیشنهادی
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱/۸	۱	الگوسازی از چهره‌های حجاب	۲۱/۸	۱۲	آگاهی بخشی اقناعی پیرامون اصول، قواعد، فلسفه، کارکردها، و پیامدهای حجاب و بدحجابی
۱/۸	۱	آماده‌سازی فرد جهت رویارویی با دنیای متجدد	۵/۴	۳	ارتقاء جایگاه خانواده و ازدواج
۱/۸	۱	سالم‌سازی محیط آموزشی	۵/۴	۳	بسط گفتمان قباح تبریج و جلوه‌گری

آماره توصیفی		راهکار پیشنهادی	آماره توصیفی		راهکار پیشنهادی
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۱/۸	۱	کاربست رسانه‌ها در ترویج حجاب	۳/۶	۲	جرم‌نگاری اعمال منافی عفت
۱/۸	۱	کاهش اختلاط زن و مرد	۳/۶	۲	وضع قوانین و مقررات پوشش
۱/۸	۱	تبیین واقعیات دینی حجاب	۳/۶	۲	تأکید بر اهمیت آموزش و تربیت جنسی
۱/۸	۱	مهندسی تمایلات تنوع-طلبانه و تهرج‌گون بانوان	۳/۶	۲	ترویج روحیه عفاف و کنترل جنسی

بحث و نتیجه‌گیری

این بخش از مقاله مبتنی بر ارزیابی انتقادی مطالعات مرور شده، به استناد یافته‌های حاصل از مرور نظام‌مند پژوهش‌های منتخب صورت‌بندی گردیده است. بر این اساس، همزمان با توجه به شرایط تاریخی و زمانی مطالعات صورت گرفته، اما در مقام نقد وجوه مختلف مطالعات مرور شده در این پژوهش نکات ذیل شایسته احصاء و ایضاح هستند.

عدم روشمندی بسیاری از نگاه‌های صورت گرفته در باب حجاب در کنار سطح پایین و غیر استاندارد بودن مطالعات، در حکم اولین نقد وارد بر پژوهش‌های مرور شده است؛ در این راستا، (۸۷٪) از پژوهش‌ها فرضیه نداشته، (۷۴/۵٪) بدون چارچوب نظری و (۸۰٪) بدون اشاره به روایی و پایایی ابزار تحقیق به انجام رسیده‌اند. با توجه به سطح پائین علمی شمار قابل توجه-ای از مقالات، (۴۹٪)، و نیز نظری بودن شمار زیادی از آنها، (۶۵/۵٪)، بر مبنای رتبه مجلات، دال بر علمی ترویجی بودن، و یا علمی تخصصی بودن مقالات منتشر شده، وجود نقیصه مذکور در پژوهش‌های مرور شده به مراتب آشکارتر می‌گردد. یکی از مسائل اساسی در هر فعالیت علمی، تصریح به روش تحقیق، و پایبندی به مبانی و لوازم آن در مقام انجام پژوهش است. شمار زیادی از پژوهش‌های مرور شده در باب حجاب، هیچ اشاره‌ای به ابزار گردآوری اطلاعات و روش تحلیل داده‌ها نداشته‌اند و همین امر، به طور کلی اعتبار علمی پژوهش‌های مذکور را مخدوش می‌سازد. محور دوم نقد مطالعات، ناظر به نظری (مروری و ترویجی) بودن بیشتر مطالعات و دوری آنها از مقام عینیت و کاربرد است؛ به گونه‌ای که (۶۵/۵٪)، یعنی نزدیک

به دو سوم از پژوهش‌های منتخب را مطالعات نظری تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در میان مجموعه رویکردها، رویکرد جامعه‌شناختی ممزوج با سویه‌های کاربردی تنها (۱۸٪) از مطالعات را به خود اختصاص داده است. (۵۳٪) از پژوهش‌ها به صورت تحلیلی یا تحلیلی-استنباطی و (۷۹/۹٪) به صورت کتابخانه‌ای یا اسنادی-کتابخانه‌ای کار شده‌اند. این مورد زمانی تشدید می‌شود که در مطالعات صورت گرفته (۳۱/۸٪) از آن مربوط به مطالعات فقهی بوده است. می‌توان فراوانی انجام مطالعه با استفاده از رویکرد تاریخی و تطبیقی را بر عدم درک وافی پژوهشگران از مسأله حجاب به عنوان یک معضل نیازمند به چاره‌اندیشی حمل نمود؛ به بیان دیگر، مسأله‌یابی پژوهشگران صورتی کلی داشته و صرف‌نظر از بازشناسی و دقت نظر به زوایای مسأله حجاب به‌عنوان مسأله‌ای برخوردار از اضلاع هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی، اقتصادی، مدیریتی و امنالهم صورت گرفته است. متأثر از نقیصه مذکور، گشایش‌های نظری و آورده‌های عملی قابل ملاحظه‌ای بر پژوهش‌های ناظر به حجاب مترتب نگردیده است. حصر حداکثری پژوهش‌ها به کلان‌شهرها و کنارگذاری شهرهای کوچک-تر از شمول مطالعه وجه سوم از نقدهای وارد بر مطالعات مرور شده را به خود اختصاص داده است؛ درصد زیادی از پژوهش‌های تجربی، به ترتیب در تهران (۱۲/۷٪)، اردبیل، خراسان رضوی و همدان (۹٪) انجام شده است. تغلب نگاه آسیب‌شناسانه به امر حجاب در مطالعات و تغافل پژوهشگران از ابعاد تفسیری و معناکاوانه مرتبط با مسأله حجاب به‌منزله چهارمین محور نقد شایسته توجه است. تقریباً (۳۱٪) از پژوهش‌های مرور شده به آسیب‌شناسی حجاب پرداخته‌اند که حاکی از دغدغه و رویکرد کلی و آسیب‌شناسانه و نقادانه به بحث حجاب است و از سایر رویکردهای کیفی و تفسیری استفاده لازم صورت نگرفته است. تقلیل طیف کثیری از کارکردهای دنیوی و اخروی حجاب به ملاحظات معطوف به امر جنسی در حکم پنجمین نقد اساسی وارد بر مطالعات قابل ذکر است. این امر، علاوه بر نشان دادن ضعف توانایی معنادار پژوهشگران به‌منظور انتخاب چارچوب‌های نظری چندسطحی و متکثرالوجه، به‌صورت تلویجی، وجود مراتبی از نگاه جنس محور^۱ به زن را در میان آنها، حداقل در وجهی ناخودآگاه، بازنمایی می‌کند. در همین راستا، در (۸۷٪) از پژوهش‌ها، با این که هیچ‌گونه کارکردی برای حجاب ذکر

1 . sex-oriented approach

نشده است، اما، کارکرد جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و حفظ شخصیت زن، به ترتیب در (۷٪) و (۴/۵٪) پژوهش‌ها مورد اشاره قرار گرفته است. ششمین محور از نقد مطالعات مورد کاوش در پژوهش حاضر فاقد راهکارهای برآمده از مطالعات میدانی در مواجهه معقول با معضله حجاب را مورد تأکید قرار می‌دهد. ۸۹٪ از پژوهش‌ها، فاقد راهکار بوده‌اند. این مطلب نشان می‌دهد که نویسندگان پیرامون مواجهه حرفه‌ای با معضل اجتماعی حجاب هیچ گونه راهکاری در ذهن نداشته‌اند. ذیل آخرین محور ارزیابی انتقادی مطالعات مرور شده، عدم کاربست رویکردهای میان‌رشته‌ای از سوی پژوهشگران و حصر توجه آنان به رویکرد جامعه‌شناختی با روش‌شناسی کمی و پوزیتویستی، در مقام مسأله‌پردازی حجاب قابل تصریح می‌باشد. مطالعه پدیده حجاب، به‌مثابه امری ذی‌وجوه، نیازمند کاربست نظام‌های معرفتی چندگانه، از قبیل روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، رسانه و ارتباطات، مطالعات فرهنگی و مدیریت است. فراوانی زیاد پژوهش‌های نظری (مروری) در علوم تربیتی و مدیریتی، و سطح پایین علمی این دسته از مطالعات، ادعای فوق را تأیید می‌کند. مضاف بر این، بیش از دو سوم از مطالعات جامعه‌شناختی، با روش‌های کمی پیمایشی انجام شده‌اند. این امر به وضوح سیطره رویکردهای کمی‌گرا بر ذهن و ضمیر جامعه علمی را بازنمایی می‌کند. ماهیت فرهنگی و سیاسی مسأله حجاب در ایران، مطالعه آن را در پارادیم‌های تفسیری اقتضاء می‌کند.

منابع

- ابادزی، یوسف، و نفیسه حمیدی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات. تهران: پژوهش زنان، دوره‌ی ششم، شماره ۴.
- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۵)، فلسفه تربیت. تهران: دانشگاه پیام نور.
- اخلاصی، ابراهیم، یاسر رستگار، و زهرا راسخی (۱۳۹۸)، فراتحلیل مطالعات ناظر به برساخت اجتماعی بدن در جامعه ایرانی. تهران: جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره ۳.
- اسلامی پناه، علی (۱۳۹۶)، نقش عرف به منزله منبع حقوق. تهران: فصلنامه‌ی مطالعات حقوق حقوق خصوصی، دوره ۴۷، شماره ۲.

- آقازاده، احمد (۱۳۷۹)، آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بابایی، علی‌اکبر و همکاران (۱۴۱۴ق)، روش‌شناسی تفسیر. تهران: بی‌نا.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- جوادی یگانه محمدرضا (۱۳۸۷)، رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی، راهبرد فرهنگ، شماره ۳، ص ۳۳-۶۴.
- جواهری، فاطمه (۱۳۸۷)، بدن و دلالت‌های فرهنگی اجتماعی آن؛ نامه پژوهش فرهنگی، ش ۱۱، ص ۳۷-۸۰.
- چلبی، مسعود و کمال رضوی (۱۳۹۳)، روش تاریخی؛ جزوه درسی دانشگاه شهید بهشتی، برگرفته از http://facultymembers.sbu.ac.ir/k_razavi/files/pdf/Historical-Method.pdf
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۶)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: سروش.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۳)، قواعد بنیادین در حقوق و روش‌شناسی احراز و توسعه‌ی آنها. تهران: مجله‌ی حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- دریفوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۸۴)، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۶)، جوانان، بدن و فرهنگ تناسب؛ تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- رجایی باغ سیائی، مهدی (۱۳۹۲)، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی (بررسی مفهوم اجتهاد). تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی.
- رستگار خالد، امیر، محمدی، میثم و نقی‌پور ایوکی، سحر (۱۳۹۱)، کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره. مطالعات راهبردی زنان سال پانزدهم. شماره ۵۶.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، توسعه و تضاد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- زارع، مرضیه و رهبر نیا، زهرا (۱۳۹۵)، نگاهی جامعه‌شناسانه به مفهوم لباس در هنر معاصر با تکیه بر آراء بوردیو؛ دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال پنجم، شماره ۹.

- ساعی، منصور (بی‌تا) روش تحقیق تاریخی: شیوه‌ها و کاربردهای آن در ارتباطات. تهران: مجله‌ی رسانه، سال نوزدهم، شماره ۱.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۱)، ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن. قم: مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۲، ۱۳۸۱.
- طالبی دلیر، معصومه و سید مجتبی رضوی طوسی (۱۳۹۲)، اعتقاد به حجاب و نگرشهای مربوط به آن. تهران: فصلنامه‌ی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۲۳.
- طاهرپورکلانتری، حبیب‌الله، علی مناهی، و ترکان تقی‌زاده لشنلو. (بی‌تا) روش تحقیق تاریخی در علوم اجتماعی. سامانه اینترنتی: www.sid.ir.
- عباس زادگان، محمد (۱۳۶۸)، اصول و مفاهیم اساسی مدیریت. تهران: سروش.
- فتحعلی خانی، محمد (۱۳۷۹)، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق. قم: شهریار.
- فصیحی، امان‌الله (۱۳۹۰)، منطق کارکردی و دفاع از دین. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- گولد، جولیس، و ویلیام. ال کولب (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: جمعی از مترجمان. تهران: انتشارات مازیار.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶)، تحلیل اجتماعی مسأله حجاب. تهران: مجله‌ی مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۸.
- محسنی، الهه (۱۳۹۸)، روش‌شناسی حقوق تطبیقی. تهران: مجله‌ی مطالعات حقوق تطبیقی، دوره‌ی ۱۰، شماره ۲.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، مجموعه آثار، ج. ۴، تهران: انتشارات صدرا.
- مطیع، ناهید (۱۳۷۰)، مکتب‌کنش متقابل نمادی، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۷.
- معدن‌دار آرانی، عباس (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی در آموزش و پرورش: کاربردهای جدید تحقیق. تهران: فصلنامه‌ی خانواده و پژوهش، شماره ۲۷.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸)، اجتهاد و تقلید. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- واتسون، هلن (۱۳۸۲)، زنان و حجاب، ترجمه مرتضی بحرانی. تهران: فصلنامه‌ی کتاب زنان، سال پنجم، شماره ۲۰.
- ویلن، تورستن (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه؛ ترجمه فرهنگ ارشاد؛ چاپ اول، تهران، نشر نی.
- ویل کاکس، روت ترنر (۱۳۷۹)؛ تاریخ لباس؛ ترجمه شیرین بزرگمهر، تهران: توس.